

قبل از اسلام نیست، زیرا در آن زمان، غیر از تعدادی اندک، دانشمندی وجود نداشت.

در آن هنگام، اروپا در بربریت به سر می‌برد. تاریخ دانشمندان معروف اروپایی به دو - سه قرن قبل برمی‌گردد، و کشوری به نام آمریکا وجود نداشت. دانشمندان بزرگ ایرانی، همچون بوعلی سینا و زکریای رازی، تربیت‌یافتگان پس از اسلام هستند. ایرانیان در علوم مختلف پیشرفتهایی چشمگیر کردند و مهمترین و ارزشمندترین کتابها را نوشتند، که برخی از آنها تا سالهای اخیر تدریس می‌شده‌اند. نکته مهم این که همه آنها مربوط به بعد از اسلام است. اسلام، چنان شیفتگی و عشقی به خواندن و مطالعه در جامعه ایجاد کرد که علاقه به کتاب و جمع‌آوری آن و تأسیس کتابخانه، به یک سنت حسنه تبدیل شد. از این‌رو، می‌توان این حرکت را برخاسته از فرهنگ اسلام، و عواملی به این شرح دانست:

۱. اختراع کاغذ

از زمانی که کاغذ اختراع شد، تألیف و ترجمه به صورت گسترده آغاز شد. فروشگاههای وراقی مشغول خرید و فروش کاغذ شدند، و جمعی نیز به تجارت کاغذ پرداختند. عده دیگری نُسَخ بودند، که به نسخه‌برداری از روی کتب می‌پرداختند و به فروش می‌رساندند. منصور عباسی (متوفی ۲۵۰ ق) افراد زیادی را مأمور ترجمه کتب اجنبی به عربی کرد؛ از جمله: ابن مقفع کتاب کليلة و دمنه را از پهلوی به عربی ترجمه کرد. ابن خلدون در مقدمه می‌نویسد که صنعت کاغذ را فضل بن یحیی ایجاد کرد، و سپس توسعه یافت.

قلقشندی می‌نویسد: در زمان هارون الرشید کاغذ رایج شد. او دستور داد برای نوشتن تنها از کاغذ استفاده شود، زیرا نوشته‌های روی پوست قابل پاک شدن و سوء استفاده بود، و می‌توان در آنها دست بُرد، ولی تغییر نوشته‌های روی کاغذ، در آن زمان مشکل بود، و هنگام تغییر کلمات، اصل کاغذ صدمه می‌دید.^۱

اروپاییان صنعت کاغذسازی را از مسلمین آموختند. آنها در جنگهای صلیبی، در بلاد اسلام، مثل مصر و بغداد، از

طلوع کتابخانه‌ها از مشرق اسلام

زهرا ابادری

در یونان باستان، فلاسفه و حکمایی بودند که در رشته‌های فلسفه، طب و نجوم تلاشهای گسترده‌ای کردند و آثاری از خود به جای گذاشتند. این آثار، در کشور بزرگ روم ترجمه شد، و سپس به ایران رسید.

در ایران قبل از اسلام، آموزش برای همگان آزاد نبود، بلکه مخصوص شاهزادگان و روحانی‌زادگان و معلم‌زادگان بود. در حجاز هم خبری از علم و کتاب نبود. محققان بر این عقیده‌اند که تعداد اندکی در حجاز، در آغاز اسلام، سواد خواندن و نوشتن داشتند. پس از اسلام، در طول چندین قرن، یک نهضت علمی بزرگ به دست مسلمانان ایجاد شد، و مسلمین هر جا که رفتند، همراه خود علم و فرهنگ را به ارمغان بردند. هر جا که اسلام حاکم شد، دانشمندان زیادی تربیت شد و کتابخانه‌های بزرگی احداث گردید و علوم متنوع تدریس شد. بی‌شک این سطح گسترده علم و دانش، میراث

۱. صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ۲/۴۷۵.

لشکر بدون سلاح مسلمانان نمی‌توانست در برابر یک سپاه بزرگ فیل سوار پیروز شود. بنابراین، عوامل متعددی گرایش به اسلام و عطش برای رسیدن به فرهنگ اسلامی را فراهم کرده بود؛ از جمله:

الف) اصول و فروع مکتب اسلام با فطرت انسانها گره خورده است، و اگر احکام اسلام با شیوهٔ درست عرضه شوند، همهٔ انسانها می‌پذیرند.

ب) علم دوستی ایرانیان و رومیان نیز با ترغیب و تشویق اسلام به آموزش و گسترش علم هماهنگی و همسویی داشت.

ج) مردم تازه آزاد شده به دست مسلمانان، بیار تمایل داشتند که ببینند مکتب اسلام چه می‌گوید. این امر، سبب حرص و رقابت شدید برای فراگیری احکام و علوم اسلامی شد. بدین ترتیب، افراد مستعد جذب شدند، و با رشد و شکوفایی استعدادهای درخشان، دانشمندان ایرانی به تألیف و تصنیف و تربیت شاگردان و تشکیل کتابخانه‌ها پرداختند.

بایسته و شایسته است که گفته شود بزرگترین دانشمندان و مؤلفان اسلامی، ایرانی‌اند؛ و این که چنین دانشمندانی بعد از اسلام تربیت شدند، دلیل بر زمینه‌ای است که اسلام فراهم کرد؛ و پیشتاز بودن ایرانیان در علوم مختلف، دلیل بر استعداد درخشان و افق باز فکری ایرانیان است. چنان‌که پیامبر ﷺ فرمود: «اگر علم در ستارهٔ ثریا بود، ایرانیان به آن دست می‌یافتند.» مثلاً در تفسیر قرآن، تفاسیر معتبری از ایرانیان است، مانند مجمع‌البیان و تفسیر رازی. همچنین محدثان بزرگ، از قبیل مؤلفان کتب ششگانه، و صاحبان کتب چهارگانه (کافی، تهذیب، استبصار، کتاب من لایحضره الفقیه) ایرانی هستند. ابن‌خلدون در این باره می‌گوید: ما این امتیاز را برای ایرانیان قائلیم که در پیشرفت علوم مختلف سهم به‌سزایی داشته‌اند. و بنابه نقل معروف «القلم احدی اللسانین؛ قلم یکی از دو زبان است»، زبانِ قلم به فعالیت و نوشتن واداشته شد و زمینه را برای طلوع کتابخانه‌ها در جهان اسلام فراهم کرد. بدیهی است که توسعه‌دهندهٔ این حرکت، دانشمندان اسلامی بودند، که در تألیف و تصنیف و تشکیل کتابخانه‌ها پیشتاز بودند.

۳. تشویق اسلام

سومین عامل پیدایش کتابخانه‌ها در تمدن اسلامی، تشویق

مسلمانان این صنعت را فراگرفتند. بی‌تردید یکی از عواملی که در گسترش کتاب و کتابخانه نقشی عظیم داشت، اختراع کاغذ بود، که خدمت بزرگی به فرهنگ اسلام کرد. پیدایش کاغذ، صنعت چاپ را به دنبال داشت. از این رو، تکثیر کتاب آسان شد و برخی به خرید و فروش کاغذ پرداختند، و عده‌ای با عنوان کاتب، شغل نوشتن را پیشه کردند. عنوان وِزّاق، که در بسیاری از کتب تاریخی دیده می‌شود، به افرادی گفته می‌شد که به تولید یا خرید و فروش کاغذ اشتغال داشتند. شاغلین به این کار معمولاً از دانشمندان بودند؛ و گاه لقب وِزّاق به شخصیت‌های علمی اطلاق می‌شد. گفتنی است که این عنوان در عصر هارون‌الرشید عباسی به کار رفت.

در عصر مأمون شغل وِزّاقی رایج شد؛ تا آن‌جا که در بلاد مختلف بازارهای بزرگ کاغذفروشی و کتابفروشی گسترش یافت؛ به گونه‌ای که در بازار وِزّاقان بغداد، در قرن سوم هجری، بیش از صد کاغذفروشی بود. مقریزی در خط می‌نویسد: در قاهره بازار وِزّاقان معروف بود؛ و می‌افزاید: هنگامی که جعفر بن احمد مروزی در اهواز به سال ۲۷۴ هجری وفات کرد، کتابهای او را به بغداد آوردند و در بازار طاق حِزّابی، که مخصوص خرید و فروش کتاب بود، به فروش رساندند.

یاقوت حموی نیز می‌نویسد: ابن‌ندیم، که کنیه‌اش ابوالفرج است، شخصاً به وِزّاقی اشتغال داشت. و وسعت علم و دانش او از کتاب الفهرست شناخته می‌شود. وِزّاقی تنها خرید و فروش نبود، بلکه تصحیح کتب، نسخه‌برداری و استنساخ و انتخاب کاغذ مناسب را نیز شامل می‌شد. شخصیت‌های بزرگ وِزّاقی اختصاصی استخدام می‌کردند. مثلاً زکریا بن یحیی، وِزّاق جاحظ بود، و در تصحیح و نسخه‌برداری کتابهای جاحظ نقشی به سزا داشت.

۲. فتوحات اسلامی

کمتر از نیم قرن از ظهور اسلام گذشته بود که ایران، و سپس روم، به دست سربازان اسلام فتح شد، و مسلمانان با شعار «آمده‌ایم تا بندگان خدا را از بردگی دیگران نجات دهیم و به آنها لذت اسلام را بچشانیم»، مناطق مختلف جهان را تصرف کردند. نقل شده است که فرماندهان سپاه ساسانی سربازان را به یکدیگر بسته بودند تا فرار نکنند. اگر این‌گونه مسائل نبود،

حادثه اختلافات مذهبی کتابخانه‌اش سوخت، به نجف آمد و هفت سال از خانه‌اش بیرون نیامد و مشغول تألیف و جمع‌آوری کتاب شد.

۵. اهتمام سلاطین به گردآوری کتاب

علاقه‌مندی جمعی از خلفا، سلاطین، وزرا و شخصیت‌های سیاسی، سبب شد که مردم به سمت و سوی حرکت کنند که به تعلیم و تعلم و تألیف و تشکیل کتابخانه اهمیت داده شود. مثلاً هارون الرشید و مأمون، خود، دانشمند بودند، و عصر آنها به عصر طلایی علم و دانش معروف است.

عصر هارون را باید عصر ترجمه نامید. او با تأسیس بیت‌الحکمه دانشمندان را گرد آورد و به ترجمه کتب اجنبی فرمان داد، و گروهی را برای جمع‌آوری کتاب به اطراف و اکناف فرستاد، و مبالغ هنگفتی را بابت حق‌الزحمه و حق‌التألیف و تشویق برای جمع‌آوری کتاب پرداخت. بیت‌الحکمه در عصر فرزندش مأمون به یک مرکز علمی بزرگ تبدیل شد؛ به گونه‌ای که مکانهای معینی را به تدریس، تألیف، ترجمه و کتابخانه اختصاص داد.

هارون و مأمون به جمع‌آوری کتاب علاقه داشتند. مأمون دارای تفکر فلسفی و طرفدار مذهب معتزله بود. او از بحث و مناظره لذت می‌برد و دوست داشت در حضور او دانشمندان مباحثه و مجادله کنند و یکدیگر را محکوم نمایند.^۲

ابن‌عمید، وزیر آل‌بویه، شدیداً دوستدار کتاب بود. او دارای کتابخانه‌ای عظیم بود که مورخ شهیر، ابن‌مسکویه، کتابدار آن بوده است. وی هر چه داشت، در راه جمع‌آوری کتاب صرف می‌کرد، و نزد او کتابهایش به مراتب از اموالش مهمتر بود.

۶. انتقال مرکز حکومت اسلامی از شام به بغداد

شام، در عصر بنی‌امیه، مرکز حکومت اسلامی بود. وقتی خلافت به عباسیان رسید، عراق و ایران، به‌ویژه خراسان، از اهمیت خاصی برخوردار بود. برای این که بهتر بتوانند بر این

اسلام به فراگیری دانش، نوشتن، خواندن و جمع‌آوری کتب است. هیچ مکتبی، چه الهی و چه مادی، به اندازه اسلام از علم و عالمان و تألیف تمجید نکرده است. احادیث بی‌شماری که در این باره نقل شده است، گواه روشنی بر این مدعا است.

۴. علاقه دانشمندان اسلامی به حفظ میراث مکتوب

توصیه و سفارش و گاه تکلیف اسلام به فراگیری علم و تربیت، قشری را با عنوان عالمان دین پرورش داد، که متولی تعلیم و تربیت و تألیف و تکثیر کتاب شدند.

انسان همواره به دنبال اسوه‌هاست. از این‌رو، یک ورزشکار به قهرمانی علی عَلَيْهِ السَّلَام مباحثات می‌کند، و یک سخنور به سخنوری او. بنابراین، هنگام توصیه به یک عمل، اگر نمونه عملی آن هم ارائه شود، به مراتب مؤثرتر است. این‌که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موفق شد در عربستان آکنده از جهالت، افراد را هدایت کند، به این دلیل بود که آنچه را می‌گفت و دستور می‌داد، خود، عمل می‌کرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة.»^۱

علم‌دوستی دانشمندان اسلامی سبب شد که علاوه بر اهتمام به تشکیل کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های خصوصی بسیار مهمی نیز تأسیس کنند، که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود: واقدی (متوفی ۲۰۷ ق)، صاحب کتاب مغازی، از دانشمندان مشهور اسلامی است. او معتقد بود که دانشمندان کتابهایشان بیشتر از محفوظاتشان است، اما درباره خودش می‌گفت: آنچه حفظ دارم، از کتابهایم بیشتر است؛ در حالی که کتابهای واقدی ۱۲۰ بار شتر بود.

ابن‌حمدان موصلی، در موصل کتابخانه‌ای داشت که در موضوعات مختلف علوم بود، و آن را وقف عام کرده بود. از این‌رو، همه مردم از آن استفاده می‌کردند. خود او هم هنگامی که فرصت داشت، کنار کتابخانه می‌نشست و مطالب علمی، فقهی، شعر و جز آن را برای مردم می‌خواند.

جاحظ نیز از دانشمندان معروف اسلامی است که هم سخنان و اشعار زیبایی در علاقه و عشق به کتاب و حفظ آن دارد، و هم خود چنان بود که هیچ‌گاه از کتاب جدا نمی‌شد، و سرانجام در این راه جان باخت.

شیخ طوسی هم در بغداد کتابخانه‌ای داشت. وقتی در

۱. احزاب: ۲۱.

۲. المکتبات فی الاسلام: نشأتها و تطورها و مصائرها، ص ۵۳ - ۶۳.

بزرگ و غیرقابل تحمل باشد. باز یحیی با هدایایی آمد و گفت: ما به کتابهای شما نیازمندیم. پادشاه بسیار خوشحال شد، و مشاوران، راهبان و کشیشان را جمع کرد و آنها را از جریان باخبر ساخت، و گفت: این از نظر من درخواست بسیار ساده‌ای است. کتابها را به آنها بدهیم تا از شرشان خلاص شویم. می‌ترسم پس از من کسی درها را باز کند و رومیان آنها را پیدا کنند و مردم ما را به گمراهی بکشند؛ آنها هم رأی پادشاه را پسندیدند و کتابها را تحویل دادند. سپس کتابها به مرکز اسلام حمل شد.

شهرت برامکه ایرانی در علم و ادب کمتر از شهرتشان در سیاست نبود. آنها دانشمندان را تعظیم می‌کردند و صله می‌دادند و در جمع‌آوری کتاب چنان تلاش کردند که کتابخانه‌ای بزرگ و سترگ از کتابهای خطی ارزشمند گرد آوردند.^۲

مجموع عواملی که ذکر شد، دست به دست هم داد و کتابخانه‌های عظیم اسلامی را پی افکند. بی‌گمان، تمدن جهان امروز مرهون میراث عظیم فرهنگی اسلام است.

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، المقدمة للعلامة ابن خلدون، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، ۱۲۸۴ق.
۲. حماده، محمد ماهر، المكتبات فی الاسلام: نشأتها وتطورها ومصائرهما، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۸ق.
۳. الطرازی ری، الفینکت فیلیپ، خزائن الکتب العربیة فی الخافقین، بیروت، وزارة العربیة الوطنیة، ۱۹۴۸م.
۴. عقاد، عباس محمود، کتاب التفکر الفریضة الاسلامیة، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۶ق.
۵. القلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، مصر، دارالکتب، ۱۳۲۲ق.
۶. المقریزی، احمد بن علی، الخطط والاعتبار بذكر الحفظ والآثار، به کوشش گوستون، قاهره، دار الآثار العربیة، ۱۹۲۸م.

۱. کتاب التفکر الفریضة الاسلامیة، ص ۴۰.

۲. خزائن الکتب العربیة فی الخافقین، ۲/۱۷۸.

مناطق مسلط شوند، مرکز حکومت را از شام به بغداد انتقال دادند. این امر، موجب شد ارتباط ایران با مرکز حکومت اسلامی نزدیکتر شود، و دانشمندان و فلاسفه از اطراف و اکناف به آن روی آورند و کار تدریس، تألیف، ترجمه، و خرید و فروش کتاب رونق یابد. این حرکت نقطه عطفی در تاریخ کتابخانه‌ها محسوب می‌شود. محققان تاریخ، انتقال مرکز حکومت به بغداد را اوج فرهنگی مسلمین می‌دانند.

۷. راهیابی ایرانیان به دربار خلفای عباسی

ایرانیان در روی کار آوردن خلفای عباسی نقشی مهم داشتند. نزدیک شدن مرکز حکومت، و در عصر مأمون انتقال مرکز حکومت به خراسان، موجب شد میراث‌های علمی و فرهنگی ایرانیان، که بیشتر در منطقه خراسان و نیشابور بود، مورد استفاده خلفا قرار بگیرد، و از آنها برای گسترش کتاب و کتابخانه بهره ببرند. طایفه برامکه، که ایرانی بودند و سالها مقام وزارت اول خلفای عباسی را به عهده داشتند، به شدت به کتاب و کتابخانه علاقه‌مند بودند؛ اگرچه از نظر مذهبی شایسته نبودند.

آنها کتابهای یونانی را به سرزمین اسلام آوردند و به عربی ترجمه کردند و در اختیار مسلمین قرار دادند. این عمل به دست یحیی بن خالد برمکی انجام گرفت. ماجرا از این قرار بود که کتابهای فلسفه و طب و معقول یونانی در سرزمین روم بود، زیرا در آن زمان حکومت یونان به روم ملحق شده بود. در واقع، رومیان، یونان را به اشغال خود درآوردند و کلیه کتابهای علمی و فرهنگی یونان را به روم منتقل کردند.^۱ پادشاه روم از ترس این که مبادا رومیان، با خواندن کتب یونانی، دست از مسیحیت بردارند و به دین یونانیان بپیوندند، کلیه کتابها را در یک محل بزرگ گردآورد و در آنها را قفل کرد و با سنگ و گچ پوشاند. وقتی عباسیان روی کار آمدند و ایرانیان را به وزارت انتخاب کردند، خبر به یحیی بن خالد برمکی رسید. وی در دو نوبت هدایای زیادی برای پادشاه روم فرستاد و از او چیزی درخواست نکرد. پادشاه اطرافیان خود را جمع کرد و جریان را مطرح ساخت و گفت: نمی‌دانم دربار اسلام در آینده نزدیک از من چه خواهد خواست. بیم آن دارم که خواسته آنها